

کیفیت مسؤولیت عوامل متعدّد زیان (نقد مواد ۵۲۶، ۵۳۳ و ۵۳۵ ق.م.ا.م صوّب ۱۳۹۲)

خسرو مؤمنی*

چکیده

از جمله مسائل بسیار مهم و مورد ابتلاء در مبحث ضمان قهری دو مسأله «اجتماع سبب و مباشر» و «اجتماع اسباب متعدّد» در وقوع زیان است. قانون مجازات اسلامی در ماده ۵۲۶ به مسأله نخست و در مواد ۵۳۳ و ۵۳۵ به مسأله دوّم پرداخته است. منتها، دو اشکال مهمی که به قانونگذار وارد است این است که اولاً: در تنظیم این مواد از موضع یکسانی پیروی نکرده و ثانیاً: احکام مندرج در مواد مذکور فی نفسه مبتلا به اشکال و قابل نقد هستند.

پژوهش حاضر ضمن تبیین و نقد مواضع چندگانه قانونگذار و احکام مقرر در مواد مذکور، با مطالعه ای تطبیقی به این نتیجه دست یافته است که عوامل متعدّد زیان در رابطه با زیان دیده، دارای مسؤولیت تضامنی و در رابطه میان خودشان به میزان تأثیری که در وقوع زیان داشته اند مسؤول جبران زیان خواهند بود.

کلیدواژه: مباشر، سبب، اجتماع سبب و مباشر، اجتماع اسباب متعدّد، مسؤولیت تضامنی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

*استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سمنان kh.momeni@semnan.ac.ir

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۱۰/۰۶ - پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۰۲/۱۹

۱- طرح مسأله

مبحث ضمان قهری از جایگاه مهمی در متون فقه مدنی برخوردار بوده و مسائل آن همواره از بحث برانگیزترین مسائل به شمار می رود. در این میان، از جمله مسائلی که به لحاظ میزان ابتلاء جامعه بسیار حایز اهمیت می باشد، دو مسأله « اجتماع سبب و مباشر» و « اجتماع اسباب متعدّد» است که قانونگذار در قوانین مختلفی همچون قانون مدنی، قانون مجازات اسلامی، قانون مسؤولیت مدنی و قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی بدان توجه نموده است.

آخرین مرتبه ای که قانونگذار در اینباره اعلام موضع نموده است در مواد ۵۲۶، ۵۳۳ و ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است. منتها، مشکل این است که قانونگذار نسبت به کیفیت شناسایی مسؤولیت عاملان زیان در مواد مذکور موضع یکسانی اتخاذ نکرده و دلیلی منطقی نیز برای توجیه این چندگانگی در موضع به نظر نمی رسد! به سخن روشن تر، همان گونه که می دانیم درباره دو مسأله فوق الذکر اُنظار متعدّدی از ناحیه فقیهان مطرح شده است. قانونگذار نیز در بیان احکام این دو مسأله از معیارهای معروفی که توسط فقیهان ارائه شده بهره جسته است. منتها، در هر یک از مواد فوق از معیاری پیروی کرده که متأسفانه با معیار استفاده شده در مواد دیگر متفاوت است! علاوه بر این، معیارهای برگرفته از فقیهان در این مواد، فی نفسه نیز دارای ضعف های متعدّدی هستند که سبب شده احکام مندرج در مواد مورد بحث با وجود نیاز بسیاری که هر روزه در جامعه بدان احساس می شود به شدت نارسا و مورد انتقاد باشند. زیرا اولاً- مبتنی بر استدلال هایی بوده که کاملاً قابل مناقشه هستند و ثانیاً- تضمینی کافی برای جبران کامل و قطعی زیان از زیان دیده به دست نمی دهند. بدین ترتیب، قانونگذار برای بیان مسؤولیت عوامل متعدّد زیان در این مواد نه تنها از معیارهای متناقضی بهره برده است، بلکه نفس احکامی هم که مقرر نموده با هدف اصلی مسؤولیت مدنی که همانا جبران کامل زیان از زیان دیده است انطباق مناسبی نداشته و از این جهت نیز ناقص است.

در این پژوهش که با هدف رفع مشکلات مذکور انجام می پذیرد، تلاش می شود ضمن تبیین مواضع آشفته قانونگذار و تخطی وی از مهم ترین قاعده قانونگذاری و تشریح احکام ناقص مقرر در مواد ۵۲۶، ۵۳۳ و ۵۳۵ ق.م.ا.ا - برای بیان مسؤولیت عاملان متعدّد زیان، معیاری منطقی تر از معیارهای موجود در مواد فوق ارایه شود؛ ثانیاً - به منظور تضمین جبران قطعی و کامل زیان از زیان دیده نیز سازوکار لازم پیشنهاد گردد. در این راستا، قوانین برخی از کشورهای مترقی در این زمینه نیز مورد مطالعه قرار خواهند گرفت.

ساختار پژوهش حاضر به این ترتیب سامان داده شده که ابتدا هر یک از دو مسأله مورد بحث به صورت جداگانه مطرح و دیدگاه های فقهی مربوط به آن دو بررسی می شود تا سابقه ای که قانونگذار از آن بهره برده است مشخص شود. پس از آن موضع قانونگذار در اینباره مورد بحث واقع شده است و ضمن نقد موضع قانونگذار در مواد ۵۲۶، ۵۳۳ و ۵۳۵ ق.م.ا، عقیده مختار را با ذکر ادله آن به تفصیل بیان خواهیم کرد.

با عنایت به توضیحات فوق، نتیجه حاصل از پژوهش حاضر نیز کاملاً کاربردی است؛ زیرا بسیاری از پرونده های موجود در محاکم دادگستری، مرتبط با موضوع این پژوهش هستند و با توجه به نقص و خلأ قانونی موجود، نتیجه این بحث کمک شایانی به تحقق عدالت در رسیدگی های قضایی خواهد داشت.

۲-مقام نخست

۲-۱-اجتماع سبب و مباشر

همان طور که می دانیم چنان چه شخصی مستقیماً مال دیگری را تلف کند به عنوان «مباشر»، اتلاف ضامن جبران خسارت مالک است. همچنین در بحث از تسبیب در اتلاف فراگرفته ایم که هرگاه کسی زمینه تلف مال دیگری را فراهم آورده و به صورت غیر مستقیم آن را تلف کند بی آن که میان فعل او و وقوع تلف، فعل فاعلی

انسانی واسطه شده باشد به عنوان «مسبب» اتلاف، ضامن جبران خسارت وارد آمده می‌باشد. اما اگر میان فعل مسبب و وقوع تلف، فعل عاملی انسانی واسطه شده باشد مسأله «اجتماع سبب و مباشر» مطرح می‌شود. آنگاه در مسأله اجتماع سبب و مباشر به طور کلی سه صورت قابل تصور است:

أ. اقوی بودن مباشر از سبب

هرگاه بین فعل مسبب و وقوع تلف، توسط فعل یک انسان عاقل مختار (مباشر) فاصله ایجاد شود مانند این که شخصی چاهی حفر کند و دیگری شخص ثالثی را به درون آن افکند قریب به اتفاق علما معتقدند که مباشر به دلیل اقوی بودنش ضامن است (تلخیص المرام/ ۱۶۷؛ مجمع الفائدة و البرهان/ ۵۰۱/۱۰؛ کشف اللثام/ ۲۷۹/۱۱ و ۲۸۰؛ جواهر الکلام/ ۳۲/۱۵؛ العروه الوثقی/ ۶۰۳/۲) زیرا فعل او رابطه سببیت میان فعل مسبب و وقوع تلف را قطع نموده و وقوع تلف و ورود زیان به او نسبت داده می‌شود. به عبارت بهتر، از آنجا که معیار ضمان، «استناد» تلف به شخص است (مسالك الافهام/ ۱۶۴/۱۲، تنقیح مبانی الاحکام- کتاب الديات/ ۵۳؛ مستمسک العروه الوثقی/ ۱/ ۵۲۰، کتاب الغصب/ ۱۴، سفینه النجاه و مشکاه الهدی و مصباح السعادات/ ۲۹/۳) و در فرض اجتماع سبب و مباشر از نظر عرف، تلف به مباشر استناد داده می‌شود، لذا مباشر ضامن است. از میان علمای امامیه، صاحب کتاب «ریاض المسائل» با استناد به قاعده نفی ضرر و تنظیر محلّ بحث با مسأله غصب، قائل به «مسئولیت تضامنی» سبب و مباشر بوده و تنها مانع را اجماع فقیهان بر خلاف این عقیده می‌داند و استدلال می‌کند به این که با وجود مقتضی ضمانت برای مسبب که همان قاعده نفی ضرر است قوت تأثیر مباشر، مانع مسئولیت مسبب نمی‌شود (ریاض المسائل/ ۲۰/۱۴).

ب. اقوی بودن سبب از مباشر

اگر سبب به دلیلی همچون جنون، صغر، اکراه یا غرور مباشر، اقوی از او باشد و وجود مباشر و تأثیر او در دید عرف، ضعیف‌تر از تأثیر سبب باشد به عقیده فقهاء، مسئولیت جبران خسارت متوجه سبب خواهد شد (تلخیص المرام/ ۱۶۷؛ مجمع الفائدة و البرهان/ ۵۰۱/۱۰؛ کشف اللثام/ ۲۷۹/۱۱ و ۲۸۰؛ جواهر الکلام/ ۳۲/۱۵؛ العروه الوثقی/ ۶۰۳/۲).

گفتنی است در صورتی که مباشر، مکره یا مغرور باشد اختلاف است که آیا علاوه بر سبب، مباشر نیز در مقابل مالک مسؤول جبران خسارت هست یا خیر؟

علما اتفاق دارند بر این که در این دو حالت قرار ضمان (مسؤول نهایی) بر عهده سبب است. منتها، گروهی از فقها معتقدند که در این دو حالت علاوه بر سبب، مباشر نیز در مقابل مالک ضامن است. آنگاه اگر مالک به مباشر رجوع کند او نیز می تواند به سبب رجوع کند. یعنی، مباشر با سبب در مقابل مالک، مسؤولیت تضامنی دارد. (الدروس الشرعیة/۱۰۷/۳؛ اللعنه الدمشقیة/۲۰۷؛ الروضة البهیة/۳۳/۷؛ العناوین/۴۳۷/۲؛ البیع/۴۵۵/۲ و ۴۷۵؛ القواعد الفقهیة/۳۵/۲؛ الفقه - القواعد الفقهیة/۱۰۲). در مقابل، گروهی دیگر معتقدند که در مقابل مالک، فقط سبب ضامن جبران خسارت است. (شراعیة الاسلام/۵۰۱/۴؛ تحریر الاحکام/۵۲۳/۴؛ تذکره الفقهاء/۴۵۴/۷؛ ارشاد الاذهان/۴۴۴/۱ و ۴۴۵؛ مسالک الافهام/۱۶۵/۱۲؛ حاشیة الارشاد/۳۹۱/۲؛ النخبه فی الحکمه/۲۰۷؛ وسیله النجاه/۶۵۴؛ درر الحکام/۸۰/۱؛ بدائع الصنائع/۱۷۹/۷؛ القواعد الفقهیة/۳۶/۲؛ الزبده الفقهیة/۲۶/۸).

ج. تساوی سبب و مباشر

اگرچه برخی از فقیهان، تساوی سبب و مباشر را محال دانسته‌اند (کتاب الغصب/۳۷)، لکن هنگامی که به کتب فقهی مراجعه می‌کنیم ملاحظه می‌کنیم که فقها فرض تساوی سبب و مباشر را نیز مطرح نموده و آن را در حکم فرض أقوى بودن مباشر از سبب دانسته و در آن حالت نیز مباشر را ضامن دانسته‌اند. منتها، تنها دلیلی که برای این نظر ارائه داده‌اند «اجماع» فقها است (کشف اللتام/۲۷۹/۱۱؛ جواهر الکلام/۳۴۶/۱۵).

۲-۲- اجتماع اسباب متعدّد

هنگامی که اتلافی به وقوع می‌پیوندد و در نتیجه آن زانی به کسی وارد می‌شود، زیان مذکور ممکن است معلول رفتار زیان‌بار باواسطه و بی‌واسطه چندین عامل باشد. اگر حادثه واقع شده، هم عامل باواسطه داشته باشد و هم عامل بی‌واسطه، مصداق فرضی است که با عنوان «اجتماع سبب و مباشر» معروف است که در قسمت قبلی مورد بررسی واقع شد. اما اگر در حادثه واقع شده صرفاً عوامل با واسطه دخالت داشته و هیچ یک از آنها به صورت مستقیم و بی‌واسطه در وقوع ضرر نقش‌آفرینی

نکرده باشند «اجتماع اسباب» نامیده می‌شود.

اسباب متعدّد نیز گاه همگی در عرض یکدیگر هستند؛ مانند این که دو نفر با هم اقدام به حفر چاهی در معبر عمومی نموده و در اثر آن فردی در چاه مزبور سقوط کرده و آسیب ببیند. در این صورت، به عقیده فقها چنان چه هر دو سبب مقصّر باشند به تساوی ضامن جبران خسارت وارد آمده می‌باشند. زیرا، اختصاص ضمان به یکی از آن دو بی آن که دلیلی در کار باشد ترجیح بلامرّجّ است (القواعد الفقهیه/۴۹/۲). و اگر فقط یکی از آن دو مقصّر باشد تنها او ضامن است. اما گاه پیش می‌آید که اسباب متعدّد در طول یکدیگر بوده و برخی از آنها با اثربخشی به برخی دیگر، نهایتاً پدید آمدن حادثه‌ای را سبب می‌شوند. مثال معروف این حالت، فرضی است که شخصی چاهی حفر می‌کند و دیگری سنگی در کنار آن می‌نهد و شخص ثالثی در اثر برخورد با سنگ به درون چاه افتاده و آسیب می‌بیند. در این حالت نیز چنان چه یکی از آن دو سبب، مقصّر باشد تنها او ضامن خواهد بود، مثل این که حفر کننده چاه، آن را در ملک واضع سنگ، حفر کرده باشد، که در این صورت چنان چه کسی در اثر برخورد با سنگ در چاه بیفتد تنها حفر کننده چاه ضامن است و ضمانی بر عهده قراردهنده سنگ نیست. اما دشواری در جایی است که هر دوی آنها مرتکب تقصیر شده باشند. به عنوان مثال، یکی از نقاط حادثه‌خیز در حوادث رانندگی کیلومتر ۵۳ بزرگراه کرج - قزوین است. تحقیقات و بررسی‌های نهاد راهنمایی و رانندگی ناجا نشان داده است که علت حادثه‌خیز بودن این نقطه، وجود قیر زیاد در آسفالت آن است که به هنگام بارندگی، سبب لغزنده شدن سطح جاده می‌شود. در یکی از حوادث که چندین خودرو با یکدیگر تصادف نموده و منجر به کشته شدن سه نفر می‌شود شرح حادثه چنین گزارش شده است که راننده وانت پیکان به دلیل لغزنده بودن سطح آسفالت، قادر به کنترل خودرو نبوده و با گاردریل وسط جاده برخورد می‌کند. به دنبال آن یک دستگاه پژو ۲۰۶ که از پشت او در حرکت بوده با او برخورد نموده و سپس چند دستگاه خودروی دیگر نیز دچار سانحه می‌شوند. در این حادثه، چند سبب عامل وقوع سانحه

شده است: ابتدا تقصیر پیمان کار به لحاظ عدم دقت کافی در رعایت تناسب قیر به کار رفته در آسفالت آن نقطه؛ دوم تقصیر برخی از رانندگان در عدم رعایت فاصله با خودروی جلویی و سرانجام سوّمین عامل تجاوز برخی دیگر از رانندگان از سرعت مطمئنه بوده است. در این جا پرسش این است که کدام یک از آنها مسؤول جبران خسارت هستند؟ آیا همگی ضامنند یا برخی از آنها؟ به منظور پاسخ به این پرسش نظریه های متعددی ارائه شده است که در ذیل به بررسی آنها می پردازیم:

(۱) نظریه برابری اسباب

به عقیده حقوقدانان و نویسندگان کتب حقوقی، این نظریه را یک حقوقدان آلمانی به نام «فن بوری» در فاصله سال های ۱۸۶۰ و ۱۸۸۵ میلادی مطرح نموده است (الوسیط/۱/۹۰۴؛ الزام های خارج از قرارداد/۱/۴۶۳؛ مبانی مسؤولیت مدنی/۳۸۴؛ قلمرو مسؤولیت مدنی/۱۴۸) ولی با مراجعه به کتب فقهی ملاحظه می کنیم که چندین قرن پیش از وی این نظریه توسط محقق حلی از فقهای بنام شیعه مطرح شده است (شرائع الاسلام/۴/۵۰۱)؛ اگرچه خود ایشان نظریه دیگری را اختیار نموده است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

براساس این نظریه، همه اسباب - اعم از دور و نزدیک - ضامن بوده و هیچ یک بر دیگری ترجیح ندارد. چون فرض بر این است که همه آنها در ایجاد ضرر دخالت داشته و متعدی بوده و تلف مستند به همه آنهاست و اگر یکی از آنها نمی بود ضرر ایجاد نمی شد. بنابراین، خسارت بالسویه در میان آنها تقسیم شده و درجه تقصیر و تأثیر آنها در وقوع تلف لحاظ نمی شود (جواهر الکلام/۱۵/۳۴۷ و ۳۴۸؛ مبانی تکمله المنهاج/۲/۳۲۲).

نقدهای متعددی بر این نظریه وارد شده است؛ از جمله آن نقدها این است که سهم همه اسباب، در وقوع زیان یکسان نبوده و میان پاره ای از آنها و تحقق ضرر هیچ

۱- این نظریه به اشتباه به امام خمینی (ره) نیز نسبت داده شده است (قواعد فقه/۱/۱۲۹) در حالی که ایشان از طرفداران نظریه «سبب مقدم در تأثیر» بوده و تساوی ضمان اسباب متعدّد را فقط در صورت عدم سبق یکی از آنها در تأثیر پذیرفته است (تحریر الوسیله/۲/۱۹۳، مسأله ۶۷).

رابطه علیّت عرفی وجود ندارد. در نتیجه، حکم به برابری آنها در همه شرایط عادلانه نیست (الزامهای خارج از قرارداد/۱/۴۶۵).

۲) نظریه سبب مقدم در تأثیر

مشهور فقیهان معتقدند که هرگاه در وقوع حادثه‌ای، اسباب متعدّد نقش داشته باشند سببی که زودتر از بقیه در وقوع تلف، تأثیرگذارده باشد ضامن است اعم از این که از نظر زمانی هم جلوتر از باقی اسباب حادث شده باشد یا خیر؛ مانند این که کسی در غیر ملک خود سنگی نهاده باشد و دیگری در آن چاهی حفر نماید. در این حالت، اگر کسی در اثر برخورد با سنگ لغزیده و درون چاه افتد کسی که سنگ را در آن مکان قرار داده (سبب مقدم در تأثیر)، ضامن است. زیرا، با برخورد شخص زیان دیده با سنگ، ضمان کسی که سنگ را نهاده است به وجود می‌آید و پس از این که شخص یا مال او به درون چاه افتاده و آسیب می‌بیند ضمان واضع سنگ استصحاب می‌شود (شراعی الاسلام/۵۰۱/۴؛ جواهر الکلام/۳۴۷/۱۵؛ اللعه دمشقیه/۲۶۰؛ مسالک الافهام/۳۸۱/۱۵؛ الروضه البهیة/۱۰/۱۶۶؛ قواعد الاحکام/۶۵۸/۳؛ کتاب الغصب/۴۰/ و ۴۱).

به این نظریه چنین اشکال شده است که تنها دلیل طرفداران آن استصحاب مذکور است در حالی که هرگز برای آن مجالی وجود ندارد. زیرا، پیش از سبب دوم اثری برای سبب اول مترتب نیست تا استصحاب شود و اثر به وجود آمده مستند به هر دوی آنهاست؛ بنابراین، می‌بایست هر دو ضامن باشند (مبانی تکملة المنهاج/۲/۳۲۲).

۳) نظریه سبب مقدم در وجود

برخی از محققین معتقدند که هرگاه در وقوع حادثه‌ای دو یا چند سبب نقش داشته باشند به گونه‌ای که سببیت آنها در طول یکدیگر بوده و به صورت پی‌درپی وجود پیدا کرده باشند آن سببی که زودتر از سایر اسباب وجود پیدا کرده است ضامن جبران خسارت می‌باشد، زیرا پس از این که نخستین سبب به وجود آمد سبب ضمان پدید آمده است و مادام که فعل فاعل عاقل مختاری به عنوان مباشر ما بین او و تلف واسطه نشده باشد حکم آن یعنی سببیت برای ضمان مرتفع نمی‌گردد. فرض هم بر این

است که در ما نحن فیه چنین عاملی وجود ندارد تا رابطه بین سبب و تلف را قطع نماید. پس همان سبب نخست که پیش‌تر از دیگران به وجود آمده است به تنهایی ضامن است؛ بنابراین، هرگاه یکی از دو سبب در ملک غیر یا معبر عموم چاهی بکند و پس از آن دیگری سنگی در کنار چاه نهد و آنگاه حیوانی به واسطه برخورد با آن سنگ به درون چاه افتد کسی که چاه را حفر کرده است ضامن خواهد بود، زیرا حفر چاه پیش از نهادن سنگ انجام شده است (القواعد الفقهیه/۲/ ۴۹ و ۵۰).

این نظریه که کم‌طرفدارترین نظریات و ضعیف‌ترین آنهاست نیز مبتلا به همان اشکالی است که به نظریه قبلی (نظریه سبب مقدّم در تأثیر) وارد شد. بدین ترتیب که به محض حفر چاه و به صرف آن هنوز حادثه‌ای رخ نداده است تا صاحب آن سبب ضامن شناخته شود بلکه پس از وجود یافتن سبب دوّم و برخورد با آن است که حادثه رخ داده و زیان وارد شده است. همچنان که اگر هر دو سبب به وجود آیند ولی کسی یا چیزی با آن دو برخورد نکند ضمانتی برای هیچ یک از آن دو در پی نخواهد آمد. ضمن این که ممکن است در بسیاری از موارد، عرف تلف را به سبب مؤخّر در وجود مستند کرده و برای سبب نخست، نقش چندانی در نظر نگیرد. بنابراین، قطع نظر از ضعف اصل نظریه نمی‌توان آن را به جمیع موارد تعمیم داد.

۴) نظریه سبب مؤخّر در وجود

بر خلاف نظریه قبلی، بنای این نظریه بر این استدلال استوار است که در صورت اجتماع اسباب متعدّد، آن سببی که از نظر زمانی پس از سایر اسباب وجود پیدا کرده (آخرین سبب) ضامن است، زیرا از آنجا که تأثیر نخستین سببی که به وجود آمده متوقف بر وجود سبب لاحق است، لذا گویی در حقیقت، سبب نخست سبب به شمار نرفته و سببیت خود را از وجود سبب دوّم أخذ کرده است؛ مانند حفر چاه در کنار سنگی که در راه نهاده شده است. در این مثال، قرار دادن سنگ به تنهایی سبب تلف نشده است بلکه به ضمیمه حفر چاه سببیت پیدا کرده است. از اینرو، می‌توان عنوان سببیت را از سبب اوّل و قطع نظر از سبب دوّم سلب نمود. ضمن این که سبب تنها در

صورتی مستوجب ضمان می‌شود که یک فعل اختیاری دیگری مابین او و تلف فاصله نشده باشد. بنابراین، هرگاه مابین سبب و تلف، فعل اختیاری دیگری فاصله بیندازد، تلف به همان فعل اختیاری حائل نسبت داده می‌شود. اگر چه آن فعل اختیاری، یک سبب دیگری غیر از مباشرت باشد.^۲

اشکال این نظریه آن است که اگرچه تأثیر سبب نخست، متوقف بر وجود سبب دوم است، لکن صرف این اناطه، دلیل بر ارتفاع ضمان از سبب نخست نمی‌تواند باشد، زیرا تأثیر سبب دوم هم متوقف بر وجود سبب نخست بوده و هر دو با هم سبب واحدی را برای وقوع زیان تشکیل داده‌اند.^۳ به عنوان نمونه، در مثالی که در ابتدای بحث ذکر شد، چنان چه مرگ آن سه نفر در جریان حادثه پس از برخورد آخرین اتومبیل با سایر خودروها رخ داده باشد، آیا می‌توان بی‌مبالاتی پیمانکار جاده را در رعایت تناسب قیر به کار رفته در آسفالت نادیده گرفت و تنها حکم به ضمان آخرین راننده داد؟!۴

۵) نظریه سبب نزدیک و بی‌واسطه (سبب مؤخر در تأثیر)

به موجب این نظریه، در میان اسباب متعددی که زمینه را برای وقوع تلف مهیا نموده‌اند آن سببی ضامن است که آخرین تأثیر را بر جای گذاشته و جزء اخیر علت تامه تلف است. سببی که بین او و وقوع تلف، امر دیگری واسطه نشده است اعم از این که وجود و حدوث آن مقدم بر سایر اسباب باشد یا خیر.

در تعلیل این نظریه گفته شده است تا پیش از این که این سبب تأثیر کند ضرری حادث نشده و لذا مسؤولیتی نیز در کار نبوده است. اگر این سبب تأثیر نمی‌کرد ضرری به وجود نمی‌آمد و مسؤولیتی هم ایجاد نمی‌شد. به محض تأثیر این سبب، ضرر محقق شده است؛ بنابراین، طبیعی است که او به تنهایی ضامن جبران خسارت باشد و

^۲ - این نظریه در کتاب الغصب میرزا حبیب‌الله رشتی به عنوان یک احتمال از زبان فاضل اصفهانی و نه یک قول مطرح شده است. ر.ک: رشتی، میرزا حبیب‌الله، کتاب الغصب/۴.

^۳ - «الاستناد العرفی الذی قلنا بکونه مضمنا قائم بکلّ منهما متصلا... و الاستناد المعبر فی التسیب انما هو الاستناد الناقص الواقعی الذی يتسامح العرف فی عدّه استنادا تاما عند العدوان» رشتی، میرزا حبیب ا...، کتاب الغصب/۳۶.

سایر اسباب، مسؤولیتی نداشته باشند (ضمان العدوان فی الفقه الاسلامی/۱۸۷). همان طور که ملاحظه می شود با اشکالی که به نظریه قبلی وارد نمودیم استدلال مورد اتکای این نظریه نیز مخدوش می شود.

برخی از استادان علم حقوق پس از طرح نظریه‌های مختلف در ارتباط با ضمان اسباب متعدد گفته‌اند: «در واقع نظریه سبب مقدّم در تأثیر نیز شاخه‌ای از سبب نزدیک و تفسیر ویژه و تحریف شده‌ای از آن است» (الزام های خارج از قرارداد/۱/۴۷۲). سپس در ادامه، نظریه دیگری را تحت عنوان «نظریه آخرین امکان پرهیز از حادثه» و به عنوان قسیم نظریه سبب نزدیک یا آخرین سبب مؤثر مطرح نموده‌اند (همان/۴۷۸).

اما با دقت در نظریات مذکور به نظر می‌رسد که عقیده این استاد محقق با واقعیت سازگار نباشد. بدین معنا که نظریه «سبب مقدّم در تأثیر» با نظریه «سبب نزدیک یا آخرین سبب یا سبب مؤخر در تأثیر» هیچ سنخیتی نداشته و اتفاقاً در تقابل کامل با یکدیگر قرار دارند. چه این که بر پایه نظریه نخست، اولین سببی که تأثیر می‌گذارد ضامن دانسته شده است. حال آن که براساس نظریه دوّم، همان گونه که از تسمیه آن هویداست آخرین سببی که اثر نهاده، ضامن است. به سخن روشن‌تر، چنان چه پزشکی در درمان جراحی وارد شده به وسیله دیگری کوتاهی کند و بیمار بمیرد، بر اساس نظریه نخست کسی که جراحی را وارد نموده ضامن است نه پزشک بی‌مبالات؛ زیرا نخستین تأثیر از آن اوست. در حالی که بر پایه نظریه دوّم، پزشک بی‌مبالات به تنهایی ضامن است (همان/۴۷۳). بنابراین، نظریه «سبب نزدیک» نه تنها با نظریه «سبب مقدّم در تأثیر» ملانم نیست، بلکه در تقابل کامل با آن بوده و بیش از آن که با این نظریه هماهنگ باشد با نظریه «آخرین امکان پرهیز از حادثه» همسو بوده و قرابت دارد. نظریه‌ای که بر پایه آن هرگاه دو یا چند سبب در وقوع حادثه‌ای نقش داشته باشند آن که آخرین امکان پرهیز از وقوع حادثه را داشته ضامن است و همان طور که ملاحظه می‌شود بیانی دیگر از نظریه «سبب نزدیک» یا «سبب مؤخر در تأثیر» بوده و کاملاً منطبق با آن است. در حالی که محقق نامبرده این دو نظریه را قسیم یکدیگر دانسته

است!

۶) نظریه سبب اقوی

برخلاف نظریاتی که تقدّم و تأخّر در وجود یا تأثیر را مورد توجه قرار داده‌اند در این نظریه، بر قوّت تأثیر سبب تمرکز شده است. بدین ترتیب که بر پایه این نظریه، به هنگام اجتماع اسباب متعدّد در وقوع تلف، آن سببی ضامن است که قوی‌ترین تأثیر را در وقوع تلف داشته است (مفتاح الکرّامه/۱۰/۳۱۹؛ الفقه الاسلامی و ادلّته/۹/۶۸۳). اعم از این که زودتر از سایر اسباب تأثیر گذاشته باشد یا دیرتر از آنان. و اعم از این که حدوثش مقدّم بر سایر اسباب باشد یا مؤخّر از آنان. در توجیه این نظریه می‌توان گفت اگر چه هر یک از اسباب در وقوع تلف نقش آفرینی کرده‌اند لکن سهم همه آنان در به وجود آمدن واقعه یکسان نیست. برخی از آنها تأثیرشان آن قدر ضعیف است که به واسطه وجود سبب قوی‌تر، رابطه آن سبب با وقوع تلف قطع شده و عرف به کلی آن را نادیده می‌گیرد.

در نقد این نظریه باید گفت در مواقعی که اقوی بودن یک سبب به گونه ای است که در دید عرف رابطه سایر اسباب را با وقوع زیان قطع می‌کند ارتفاع ضمان از سایر اسباب و تحمیل آن بر یکی از آنها مبتلا به اشکال نخواهد بود. اما هرگز نمی‌توان به صورت مطلق حکم داد به این که در تمام مواردی که وقوع زیان، معلول اسباب متعدّد طولی است، اولاً- همیشه یکی از آنها قوی‌تر از سایرین است؛ و ثانیاً- قوّت آن به گونه ای است که ارتباط سایر اسباب را با وقوع زیان به کلی قطع می‌کند زیرا موارد بسیاری وجود دارد که اولاً تأثیر همه اسباب با یکدیگر برابر است و این وضعیت هرگز استبعاد ندارد، زیرا وقتی در اجتماع سبب و مباشر، فرض تساوی آن دو مطرح می‌شود در اجتماع اسباب متعدّد به طریق اولی می‌تواند مطرح شود؛ ثانیاً بر فرض هم که قوّت یکی از آنها بیشتر از سایرین باشد، همیشه به اندازه ای نیست که عرف رابطه سبب ضعیف‌تر را به کلی نادیده انگارد. مراجعه به موارد متعدّدی که روزانه در جامعه خسارت واقع می‌شود به خوبی بر این مطلب گواهی می‌دهد.

۳- وضع قانون مجازات اسلامی

قانون مجازات اسلامی در ماده ۵۲۶ به مسأله «اجتماع سبب و مباشر» پرداخته و برخلاف ماده ۳۳۲ قانون مدنی و نیز برخلاف موضعی که در ماده ۳۶۴ قانون مجازات اسلامی سابق اتخاذ کرده بود، بدون این که میان صور مختلف «اجتماع سبب و مباشر» تفاوتی قائل شود با محور قرار دادن «استناد» زیان برای شناسایی مسؤولیت عاملان زیان، «میزان تأثیر هر یک از آنان را در وقوع زیان» تعیین کننده میزان مسؤولیت آنان در مقابل زیان دیده اعلام نموده و وجود مباشر را رافع مسؤولیت سبب ندانسته است، اگرچه به طور معمول، تأثیر مباشر در وقوع زیان، قوی تر از تأثیر سبب است. در این ماده آمده است: «هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنان چه جنایت، مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می باشند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت، هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسؤول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی اختیار، جاهل، صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آنها باشد فقط سبب، ضامن است.»

در مواد ۵۳۳ و ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی نیز به مسأله «اجتماع اسباب متعدّد» پرداخته شده است. البته به قرینه ماده ۵۳۵ که به طولی بودن اسباب متعدّد تصریح شده، معلوم می شود که مراد از ماده ۵۳۳ اجتماع اسباب متعدّد عرضی است. در ماده ۵۳۳ مقرر شده است: «هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند به طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به طور مساوی ضامن می باشند.» ماده ۵۳۵ نیز اعلام نموده است: «هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیر مجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است مانند آن که یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی

که سنگ را گذاشته، ضامن است مگر آن که همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می شود.»
همان طور که ملاحظه می شود قانونگذار بر خلاف ماده ۵۲۶ که ملاک مسؤولیت عاملان زیان را صرفاً «استناد» زیان به آنان و «میزان تأثیرشان در وقوع زیان» اعلام کرده بود، در ماده ۵۳۳ قائل به «تساوی» مسؤولیت اسباب متعدّد و در ماده ۵۳۵ صرفاً «سبب مقدّم در تأثیر» را مسؤول جبران زیان قلمداد کرده است. بدین ترتیب در هر یک از سه ماده مذکور سه موضع متفاوت از سوی قانونگذار اتخاذ شده است!

۴- نقد مواد ۵۲۶، ۵۳۳ و ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی

همان طور که گفته شد قانونگذار در هر یک از مواد ۵۲۶، ۵۳۳ و ۵۳۵ ق.م.ا. برای بیان حکم مسأله «اجتماع سبب و مباشر» و «اجتماع اسباب متعدّد» موضعی متفاوت برگزیده است؛ در حالی که هیچ دلیل منطقی و قانع کننده ای برای این چندگانگی در موضع وجود ندارد!

در توضیح این اشکال باید خاطر نشان کرد که قانونگذار در اعلام حکم دو مسأله فوق الذکر در مواد مذکور، متأثر از اقوال متعدّدی عمل کرده که از ناحیه فقهای عظام مطرح گردیده است. در حالی که واقعیت این است که اولاً- خصوص هیچ یک از آن نظریات، منصوص کتاب یا سنت نیست. و این حاکی از آن است که شرع مقدّس حکم قضیه را به «عرف» إحاله داده (أنوار الفقاهه/۱۴ و ۱۵) و عرف نیز هیچ یک از نظریات پیشین را به عنوان قاعده ای فراگیر قبول ندارد، زیرا وقایع و رخدادهایی که هر روز در جامعه به وقوع می پیوندند به قدری فراوان و متنوع اند که عقلاً تحت ضابطه واحدی نگنجیده و عرف در مورد برخی از آنها قضاوتی متفاوت با سایر موارد دارد؛ لذا پایبندی صددرد به یکی از نظریه های مکانیکی و غیر قابل انعطاف پیشین اگر چه در برخی موارد همگام و هماهنگ با حقیقت و واقعیت می شوند (الوافی فی شرح القانون المدني/۱/۴۶۷)، لکن در بسیاری از موارد، در تقابل با آن قرار گرفته و نتایجی کاملاً

غیر عادلانه به همراه خواهد داشت که با هیچ ذوق سلیمی سازگار نیست؛ ثانیاً: همان طور که گذشت، هر یک از آن نظریات صرف نظر از منصوص نبودنشان و فارغ از اشکال فوق الذکر، مبتنی بر استدلال‌هایی هستند که فی نفسه کاملاً قابل مناقشه اند؛ ثالثاً- وقتی قانونگذار در مسأله «اجتماع سبب و مباشر» موضوع ماده ۵۲۶، سبب را مبراً از مسؤولیت ندانسته و او را با وجود مباشر، به میزان تأثیرش در وقوع زیان مسؤول اعلام کرده است، در مسأله اجتماع اسباب متعدّد موضوع ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی به طریق اولی نمی‌بایست سایر اسباب را به خاطر وجود سبب مقدم در تأثیر مبراً از مسؤولیت اعلام کند، زیرا اگر بنا باشد آن گونه که بسیاری از فقها معتقدند اقوی بودن یکی از عوامل فعل زیانبار، رافع مسؤولیت سایر آنها باشد، برداشتن مسؤولیت از عهده سبب در ماده ۵۲۶ اولویت بیشتری نسبت به برداشتن مسؤولیت از عهده سایر اسباب در ماده ۵۳۵ می‌داشت؛ چرا که به طور معمول، احتمال اقوی بودن مباشر نسبت به سبب در مسأله اجتماع سبب و مباشر، بیشتر از احتمال اقوی بودن «سبب مقدم در تأثیر» نسبت به سایر اسباب در مسأله اجتماع اسباب متعدّد است.

همچنین، چرا قانونگذار در ماده ۵۲۶ به درستی میزان تأثیر هر یک از سبب و مباشر را در میزان مسؤولیت آن دو موثر دانسته، ولی در ماده ۵۳۳ مسؤولیت اسباب متعدّد عرضی را در تمام موارد مساوی اعلام کرده و میزان تأثیر آنها را در میزان مسؤولیت آنها موثر ندانسته است؟! آیا می‌توان پذیرفت در تمام مواردی که دو یا چند نفر به نحو شرکت، سبب وقوع خسارتی می‌شوند تأثیرشان در وقوع خسارت یکسان است؟! آیا در موارد فراوانی که وقوع خسارت معلول رفتار زیانبار چند سبب است ولی تأثیر آنها در وقوع خسارت یکسان نیست، حکم به تساوی مسؤولیت آنها عادلانه است؟! آیا دلیلی نقلی در دست است تا این حکم را حکمی تعبّدی تلقی کرده و در مقابل آن تسلیم شویم؟! *رساله جامع علوم انسانی*

حال، با عنایت به اشکالات فوق الذکر در مواد قانونی مورد بحث و همچنین با عنایت به انتقاداتی که به اُنظار گوناگون ارائه شده از ناحیه فقهای عظام وارد است، به

نظر می رسد که بحث «اجتماع سبب و مباشر» و نیز «اجتماع اسباب متعدّد» از دو جهت می بایست مورد توجه قرار گیرد:

الف) از جهت رابطه میان عاملان فعل زیان بار با یکدیگر

در این بخش، چاره‌ای وجود ندارد جز انتخاب ضابطه‌ای شناور و انعطاف پذیر که در هر مورد قابلیت انطباق منطقی با ویژگی های خاص آن مورد را داشته و منجر به صدور حکمی عادلانه شود. بدین منظور باید گفت چون ملاک عمل در ضمانت تلفات، صدق عرفی عنوان «تلف کننده» بر شخص است لذا تمرکز نمودن بر عناوین «سبب» و «مباشر» وجهی نداشته و برای تشخیص مسؤل جبران زیان صرفاً می بایست به این ضابطه توجه کرد که عرف تلف مال را به چه کسی «مستند» می داند؟^۴ بر این اساس، ممکن است آن گونه که در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی به درستی پذیرفته شده است، با وجود مباشر، سبب نیز از آن جهت که تلف در دید عرف به فعل او نیز مستند است در کنار مباشر، به میزان تأثیری که در وقوع زیان داشته است مسؤل جبران خسارت قرار گیرد.^۵ همچنین در صورت اجتماع اسباب متعدّد - چه عرضی و چه

^۴ یکی از مدققین فقها در این باره توضیح ارزشمندی دارد که عین عبارت ایشان به لحاظ اهمیتی که در بحث دارد آورده می شود: «و الّذی ینبغی أن یقال: أنّه لا عبره بکون المتلف مباشراً أو سبباً أو نحو ذلك، فانهما لا یختصان بمرتبه بل قد یكون سبباً و سبب سبب، و قد یترامی السلسله و تتابعده. و لما کان منشأ الضمان انما هو الائتلاف - علی ما یظهر من النص و الفتوی - فالمدار علی صدق المتلف عرفاً، و تحدیدهم بالمباشر و السبب و نحو ذلك انما هو لضبط ما یرصد علی العرف، و الا لم یدلّ دلیل علی المباشرة و التسبب و تقدّم أحدهما علی الآخر عند الاجتماع؛ فینبغی أن یجعل المعیار الصدق العرفی، فربما یرصد علی المباشر دون السبب، و ربّما یرصد علیهما معاً، و ربّما یرصد علی السبب دون المباشر، و قس علی ذلك ترامی سلسله الاسباب و المباشرین». مراغی، میرفتاح، العناوین/ ۲/ ۴۳۵.

^۵ مرحوم وحید بهبهانی نیز در حاشیه بر این فتوای معروف فقها که در کتاب «مجمع الفائدة و البرهان» بدان اشاره شده است مبنی بر این که در صورت اجتماع سبب و مباشر، صرفاً مباشر به جهت أقوى بودنش ضامن است، ضمن این که شدیداً ابراز تعجب نموده و آن را کاملاً بی وجه می شمارد! سبب را نیز در کنار مباشر به دلیل تأثیری که در وقوع زیان نهاده است ضامن می داند. اگرچه به نحوه توزیع نهایی مسؤولیت میان آنها اشاره ای نکرده است؛ حاشیه مجمع الفائدة و البرهان/ ۶۰۹.

طولی - به جای تلاش بی وجه برای توجیه بار نمودن تمام مسؤولیت بر عهده یکی از آنها در اجتماع طولی اسباب متعدّد یا حکم به «تساوی» مسؤولیت آنان در اجتماع عرضی اسباب که در مواد ۵۳۳ و ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی مقرر شده است، ممکن است بیش از یک سبب و یا حتّی تمام آنها به صورت مساوی یا نامساوی، بسته به میزان تأثیرشان در وقوع تلف، مسؤول شناخته شوند^۶ زیرا هیچ دلیل عقلی یا نقلی وجود ندارد که دلالت کند بر این که به صرف قوی تر بودن یکی از عوامل زیان - به هر میزان - مسؤولیت سایر اسباب مرتفع شود! در حالی که ادله متعدّدی از شرع^۷ و عقل^۸ و همچنین بنای عقلاء وجود دارد که دلالت دارند بر این که هر کس در وقوع زیان نقش داشته باشد متعهّد به جبران خسارت است. بدین ترتیب، تفکیک میان دو مسأله «اجتماع سبب و مباشر» و «اجتماع اسباب متعدّد»، همچنین تفکیک میان اسباب عرضی و طولی در مسأله «اجتماع اسباب متعدّد» جایگاه خود را در متون فقهی و حقوقی برای تعیین مسؤول جبران زیان در فرض تعدّد عوامل مستقیم و غیر مستقیم زیان از دست می دهد. در نتیجه لزومی هم برای تنظیم مواد متعدّد در قوانین موضوعه برای اعلام حکم این موضوعات احساس نشده و کافی است مقرر شود «هر کس در وقوع زیان نقش داشته باشد به میزان تأثیرش متعهّد به جبران خسارت خواهد بود».

ب) از جهت رابطه میان عاملان فعل زیان بار با زیان دیده نظریه پردازان در زمینه مسؤولیت مدنی، اهداف متعدّدی برای این شاخه از

^۶ - در تأیید این ضابطه ر.ک: رشتی، میرزا حبیب الله، کتاب الغصب/۳۶.

^۷ - مانند صحیح «من أضرّ بشيء من طریق المسلمین فهو له ضامن» که به طور مطلق، هر کس را که در وقوع زیان نقشی داشته باشد، اعم از این که بی واسطه باشد یا با واسطه و اعم از این که نقش او در وقوع زیان ضعیف باشد یا قوی، ضامن اعلام می کند. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی/۳۵۰/۷؛ صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه/۱۵۵/۴؛ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، تهذیب الاحکام/۲۳۱/۱۰.

^۸ - مانند «قاعده لاضرر» که قاعده ای عقلی به نظر می رسد. بادینی، حسن و مومنی، خسرو، رویکردی نو برای اثبات جریان قاعده لاضرر در احکام عدمی در زمینه مسؤولیت مدنی، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق دانشگاه تهران)، پائیز ۹۲، شماره ۳.

حقوق ترسیم نموده اند. برخی از این اهداف متوجه زیان دیده و برخی دیگر متوجه واردکننده یا واردکنندگان زیان است. مهم ترین هدف از وضع احکام مسؤولیت مدنی در ارتباط با زیان دیده جبران کامل و قطعی خسارت او دانسته شده است (فلسفه مسؤولیت مدنی/۳۲۵؛ قسمتی، «اصل جبران کامل زیان»). این بدان معناست که در تنظیم احکام مربوط به رابطه میان عاملان فعل زیان بار با زیان دیده می بایست به گونه ای عمل شود که به بهترین وجه تضمین کننده این هدف مهم باشد.

با توجه به این که در فرض تعدد عوامل زیان، ورود زیان مستند به فعل همه آنها بوده و بر پایه معیاری که در قسمت مربوط به رابطه میان عوامل زیان با یکدیگر ذکر کردیم هر یک از آنها در نهایت مسؤول جبران بخشی از زیان هستند، لذا بهترین راه برای تضمین حق زیان دیده، قائل شدن به «مسؤولیت تضامنی» عوامل زیان نسبت به جبران تمام خسارت است (مسؤولیت تضامنی/۵۹). زیرا، چنان چه در رابطه با مالک نیز هر یک از آنها فقط به میزانی که در وقوع خسارت نقش داشته است مسؤول باشد، از این جهت که ممکن است زیان دیده به هر دلیلی از قبیل اعسار برخی از عوامل زیان، فرار آنها و مانند آن به تمام حق خویش نرسد، آن گونه که بایسته است از زیان دیده حمایت نخواهد شد و بدین ترتیب از حرکت به سوی هدف اصلی مسؤولیت مدنی باز می مانیم.

منتها، همان طور که می دانیم «مسؤولیت تضامنی» بر دو قسم است: مسؤولیت تضامنی طولی و مسؤولیت تضامنی عرضی. در مسؤولیت تضامنی طولی، «مدیون» یک شخص است و سایرین فقط «مسؤول» انجام تعهد هستند.^۹ در نتیجه، در صورت مراجعه طلبکار به هر یک از مسؤولان غیر از «مدیون»، امکان مراجعه مسؤول انجام دهنده تعهد به مدیون یا آن دسته از مسؤولانی که در فاصله میان او و مدیون قرار دارند برای گرفتن

^۹ - برای دیدن تفاوت دو مفهوم «مدیون» و «مسؤول» رک: کاتوزیان، نظریه عمومی تعهدات، قراءت و تمرین ۱، ص ۷۷ به بعد و عقود معین، ج ۴، قراءت و تمرین ۶، ص ۲۳۹.

تمام آن چه پرداخته است محفوظ می باشد. مسؤولیت تضامنی غاصبان در مواد ۳۱۸ و ۳۲۰ قانون مدنی و مسؤولیت تضامنی برات دهنده، قبول کننده و ظهرونیسان در قبال دارنده برات که در ماده ۲۴۹ قانون تجارت مقرر شده، از این قبیل است، اما در مسؤولیت تضامنی عرضی، هریک از مسؤولان، بخشی از دین را نیز بر عهده دارد. بنابراین، چنان چه طلبکار تمام طلب را از یکی از آنها مطالبه کند، او پس از کسر سهم خویش از دین، به هر یک از سایر مسؤولان فقط به میزان دین آنها حق مراجعه به آنها خواهد داشت (نظریه عمومی تعهدات/۲۲۳ به بعد)^{۱۰} مسؤولیت تضامنی پیشنهادی برای عوامل متعدّد زیان در مسأله مورد بحث در این پژوهش از این قبیل است.

ممکن است گفته شود که پذیرش «مسؤولیت تضامنی» هر یک از عوامل زیان از آن جهت که مراجعه به غیر مدیون را تجویز کرده و موجب می شود هر یک از عوامل زیان نسبت به مازاد بر آن چه مدیون است مورد مطالبه واقع شوند عادلانه نباشد. به ویژه که در حقوق ما اصل، عدم تضامن بوده و این نظریه دست کم در کشور ما قابل اعمال نیست (مسؤولیت تضامنی/۶۲). ضمن این که در قرآن کریم نیز آمده است که «لا تزر وازره وزر آخری» (أنعام/۱۶۴).

در پاسخ به این اشکال خواهیم گفت اولاً- همان طور که گفته شد پس از این که احراز شد که زیان به فعل عوامل متعدّدی مستند است، معنای آن این است که زیان وارد آمده، معلول رفتار همه عوامل فعل زیانبار بوده و اگر فعل یکی از آنها نمی بود آن نتیجه خاص حاصل نمی شد؛ بنابراین، منطبق حکم می کند که مسؤولیت عوامل متعدّد فعل زیانبار تجزیه ناپذیر باشد؛ ثانیاً- قائل شدن به مسؤولیت تضامنی به معنای تحمیل نهایی مسؤولیت بر عهده یکی از عوامل زیان نبوده و هریک از آنها که مورد مراجعه واقع شود، می تواند به هر یک از سایر عوامل فعل زیانبار به میزان تأثیری که

^{۱۰} مفاد این دو قسم از مسؤولیت تضامنی در مواد ۱۴۸ و ۱۴۹ قانون تعهدات سوییس و مواد ۱۲۱۴ و ۱۲۱۶ قانون مدنی مدنی فرانسه معرفی شده است.

در وقوع زیان داشته مراجعه کند.^{۱۱} این ساز و کار صرفاً به منظور حمایت از زیان دیده بی گناهی است که به دلیل ارتکاب چند تقصیر از ناحیه عوامل زیان، متحمل خسارت شده است. از میان عوامل مقصّر فعل زیانبار و زیان دیده بی گناهی که قربانی رفتارهای تقصیری چند شخص شده است، عادلانه تر آن است که عوامل مقصّر بار اعسار، فرار، و ... یکدیگر را تحمّل کنند نه زیان دیده بی گناه! زیرا، «حقوق در انتخاب میان زیان دیده و عامل ورود زیان، جانب اولی را می گیرد و جبران کامل زیان های او را اولی می داند» (قابلیت پیش بینی ضرر در مسؤولیت مدنی/۴۱). ثالثاً - وقتی بر اساس مواد ۳۲۳ و ۳۲۵ قانون مدنی، مشتری جاهل به غصب با وجود این که مرتکب هیچ گونه تقصیری نشده است، همراه با غاصب در مقابل مالک «مسؤولیت تضامنی» دارد، در ما نحن فیه که همه عوامل مقصّرند به طریق اولی «مسؤولیت تضامنی» آنان قابل توجیه است، زیرا قیاس اولویت به اتفاق علما حجّت است (تمهید القواعد الاصولیه والعریبه/۱۰۸). رابعاً - در متون فقهی نیز قول به «مسؤولیت تضامنی» مسؤولان آن هم از نوع «مسؤولیت تضامنی طولی» چه در مسأله «اجتماع سبب و مباشر» و چه در مسأله «تعاقب آیادی»، طرفداران پرشمار و سرشناسی دارد (الدروس الشرعیه/۱۰۷/۳؛ اللعه الدمشقیه/۲۰۷؛ الروضه البهیة/۳۳/۷؛ العناوین/۴۳۷/۲؛ البیع/۴۵۵/۲ و ۴۷۵؛ القواعد الفقهیه/۴۹/۲ و ۵۰؛ الفقه - القواعد الفقهیه/۱۰۲). بنابراین، وجاهت شرعی تجویز رجوع به هر یک از عوامل زیان نسبت به مازاد بر دینش از طریق پذیرش «مسؤولیت تضامنی»، با مانع خاصی مواجه نخواهد بود؛ زیرا وقتی «مسؤولیت تضامنی طولی» که در آن فقط یک نفر «مدیون» است و سایرین بدون این که دینی داشته باشند

^{۱۱} - برای مطالعه دیدگاه های مختلف درباره مبنای رجوع پرداخت کننده تمام خسارت به سایر مسؤولین رک: سنهوری، الوسیط/۳/۲۰۵؛ کاتوزیان، نظریه عمومی تعهدات/ش ۱۴۵ به بعد؛ امیر محمّدی، مسؤولیت تضامنی/۱۱۷ به بعد؛ یزدانیان، قواعد عمومی مسؤولیت مدنی/ش ۱۸۰.

^{۱۲} - البته فقهای عظامی که از نظریه «مسؤولیت تضامنی» طرفداری کرده اند از این جهت که به توزیع نهایی مسؤولیت میان عوامل زیان بر مبنای میزان تأثیر آنان در وقوع زیان اشاره نکرده اند، نسبت به ارائه ضابطه ای کامل در موضوع مورد بحث توفیق کامل نیافته اند!

«مسئول» پرداخت دین او هستند می تواند مورد قبول واقع شود، پذیرش «مسئولیت تضامنی عرضی» که در آن هریک از مسؤولین، در مقابل طلبکار، «مدیون» نیز بوده و مجموع دین در نتیجه تقصیر همه آنها به وقوع پیوسته است به طریق اولی امکان پذیر بوده و از جهت امکان مراجعه به غیر مدیون مبتلا به اشکال نخواهد بود. خامساً- نظریه «مسئولیت تضامنی» عوامل متعدّد زیان مورد تأیید بنای عقلاء نیز هست، زیرا در حقوق کشورهای متعدّدی که بعضاً در زمره کشورهای دارای سیستم های حقوقی مدرن دنیا به شمار می روند نیز مورد پذیرش واقع شده است. از آن جمله می توان به ماده ۷۱۹ قانون مدنی ژاپن (به نقل از مسولیت ناشی از عیب تولید/۳۵، پاورقی شماره ۲)، ماده ۱۳۷ قانون مدنی لهستان (همان)، ماده ۵۰ قانون تعهدات سوئیس، مواد ۸۳۰ و ۸۴۰ قانون مدنی آلمان، ماده ۵۵ قانون قدیم جزای فرانسه و ماده ۱۶۹ قانون مدنی جدید مصر اشاره نمود که تضامن در مسولیت های قهری را به عنوان یک اصل پذیرفته اند. این بدان معناست که شیوع «تضامن» در مسولیت های قهری به حدی است که دیگر نمی توان اصل «عدم تضامن» در مسولیت های قهری و قانونی را به سادگی اصل «عدم تضامن» در مسولیت های قراردادی پذیرفت. در فرانسه نیز اگرچه ماده ۱۲۰۲ قانون مدنی اصل را بر عدم تضامن قرار داده است، اما رویه قضایی آن کشور با الهام از این قاعده مأخوذ از حقوق روم که «هرگاه چند نفر در انجام یک عمل غیر قانونی، اعم از مدنی یا کیفری، مشارکت داشته باشند متضامناً مسؤل جبران خسارت ناشی از آن هستند» و نیز به منظور پاسخ به نیازها و ضرورت های عملی موجود، اصل تضامن در مسولیت های مدنی قهری را پذیرفته است (الوسیط/۳/۲۷۵ پاورقی شماره یک)^۱. در کشور ما نیز مواد متعدّدی

^۱ - علاوه بر رویه قضایی فرانسه، حقوقدانان این کشور نیز اصل عدم تضامن مندرج در ماده ۱۲۰۲ قانون مدنی فرانسه را ویژه «عقود» دانسته و آن را شامل مسولیت های قهری و قانونی نمی دانند. به نقل از: جعفری لنگرودی، دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت/۷۱۹. گفتنی است منظور ما از تضامن در این پژوهش، تضامن منفی (تضامن میان بدهکاران) است. اما، در تضامن مثبت (تضامن طلبکاران) با اصل عدم تضامن کاملاً موافق هستیم. زیرا بازگشت تضامن مثبت به وجود نمایندگی میان طلبکاران برای مطالبه سهم یکدیگر از بدهکار است که اصل

متعددی وجود دارد که برای عوامل متعدّد زیان مسؤولیت تضامنی را مقرر داشته که از جمله آنها می توان به مواد ۱۲ و ۱۴ قانون مسؤولیت مدنی و ماده ۹۴ قانون امور حسبی اشاره نمود. علاوه بر این، در تبصره ۲ ماده یک قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوّب ۱۳۵۱ نیز مقرر شده بود که: «در مورد ضرر و زیان ناشی از جرم، دادگاه مباشر و شریک و معاون جرم را به تناسب مسؤولیت هریک به پرداخت ضرر و زیان محکوم می نماید. لکن، محکوم علیهم نسبت به پرداخت کل ضرر و زیان مسؤولیت تضامنی دارند...». البته این حکم در قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوّب سال ۱۳۹۴ نیامده است.

بدین ترتیب، بر خلاف آن چه تصوّر می شود تضامن در مسؤولیت های مدنی قهری را در صورت فراهم بودن شرایط آن نباید خلاف اصل و قواعد عمومی شمرد^۱. به ویژه که «هدف از اجرای آن با قاعده لاضرر یکی بوده و بدین منظور است که ضرری جبران نشده باقی نماند» (نظریه عمومی تعهدات/۲۱۰)^۲.

عدم آن است. ماده ۱۱۹۷ قانون مدنی فرانسه نیز در این باره مقرر می دارد: «تعهد وقتی میان چند بستانکار، تضامنی است که صریحاً به هر یک از آنها حق مطالبه کل دین داده شده باشد و پرداخت دین به یکی از آنها موجب بری شدن مدیون شود...».

۱- برای مطالعه شرایط لازم برای تحقق مسوولیت تضامنی رک: سنهوری، الوسیط/۱/ش/۶۲۰/ص/۹۲۵.
 ۲- میرزا حبیب... رشتی نیز در تعلیلی زیبا مطابق قاعده بودن «تضامن» را این گونه اثبات می کند: «الاستناد العرفی الّذی قلنا بکونه مضمناً قائم بکلّ منهما متّصلاً و ان کان الائتلاف الواقعی مستنداً إلیهما معاً و ذلک لأنّ الاستناد المعتبر فی التّسبیب أنّما هو الاستناد الناقص الواقعی الّذی يتسامح العرف فی عده استناداً تاماً عند العدوان و عدم مدخلیه فعلی اختیاری اخر کما مرّ و لا ریب أنّ مثل هذا الاستناد یمكن تعدّده و قیامه بمحلین علی وجه الاستقلال و ان امتنع ذلک فی الاستناد التّام الواقعی فاذا فرض اجتماع السّببیین المجرّد عن مداخله فعل اختیاری اخر غیرهما فدعوی عدم قیام الاستناد العرفی آلاً بهما معاً مجازفه و کذا فی صوره اجتماع السّبب و المباشرة المساوی بل الظاهر تحقّق التّسبیه العرفیه بالتّسبیه الی کلّ واحد مستقلاً لأنّ بنائهما علی التّأثیر الناقص و قضیه ذلک الحکم بالتّخیر دون التّشریک.» کتاب الغصب/۳۶. همان گونه که ملاحظه می شود این فقیه هوشمند مطابق قاعده، بودن تضامن را از طریق تفکیک میان سببیت «واقعی» و سببیت «عرفی» اثبات کرده است. بدین معنا که به عقیده او آنچه برای اثبات ضمان یک شخص لازم است سببیت عرفی میان فعل او و ورود زیان است نه سببیت واقعی. مشابه این

از آن چه گفته شد دانسته می شود که احکام مندرج در مواد ۵۲۶، ۵۳۳ و ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی، علاوه بر اشکالاتی که پیش تر اشاره کردیم، از جهت رابطه میان عوامل زیان با زیان دیده نیز تضمین مناسبی برای رسیدن قطعی زیان دیده به تمام معادل خسارتش به دست نداده و بدین ترتیب رسالت خود را نسبت به تحقق اصل جبران قطعی و کامل خسارت به عنوان مبنای مهم ترین هدف وضع احکام مسؤولیت مدنی انجام نداده است.

به منظور رفع این نقیصه و در تکمیل پیشنهادی که در قسمت قبل برای سامان دادن رابطه میان عوامل زیان با یکدیگر ارائه دادیم، می توان گفت: «هرگاه دو یا چند عامل در وقوع جنایتی نقش داشته باشند، هر یک از آنان در مقابل مجنی علیه نسبت به جبران کامل خسارت ناشی از آن، مسؤولیت تضامنی دارد. جبران کننده خسارت می تواند به هر یک از سایر عوامل زیان بر اساس میزان تأثیری که در وقوع خسارت داشته است مراجعه کند». این ضابطه که ملهم از تبصره ۲ ماده یک قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب سال ۱۳۵۱ بوده و به منظور احیاء حکم آن ماده پیشنهاد می شود از یک سو، بی آن که به مستقیم یا غیر مستقیم بودن عامل زیان، و همچنین بی آن که به ضعیف بودن و قوی بودن تأثیر برخی از عوامل زیان نسبت به سایرین توجه کند، در مرحله نخست ملاک مسؤولیت و عدم مسؤولیت را «استناد عرفی» زیان به فعل آنان قرار می دهد. بدین ترتیب، هر یک از آنان که زیان به فعلش عرفاً مستند باشد، مسؤول شناخته می شود. در مرحله دوم و به منظور جبران کامل و قطعی خسارت زیان دیده، مسؤولیت هر یک از آنان را در مقابل زیان دیده «تضامنی» اعلام می کند. و

تفکیک توسط یکی از نویسندگان غربی نیز مطرح شده است. این نویسنده نیز با معرفی نمودن دو قسم سببیت با عنوان سببیت «حقوقی» و سببیت «واقعی»، برای ضامن دانستن یک شخص صرفاً وجود سببیت حقوقی میان فعل او و ورود زیان را لازم می داند (Barry Edwards/ Proximate cause/12 به نقل از: قابلیت پیش بینی ضرر/ ۹۸) و مراد او از سببیت حقوقی همان سببیت عرفی در بیان میرزا حبیب... رشتی است.

سرانجام به منظور تأمین عدالت در رابطه میان خود عوامل زیان، به «توزیع نهایی» مسؤولیت بر اساس میزان تأثیری که هر یک از آنان در وقوع زیان داشته است اشاره می کند.

نتیجه

۱- ملاک عمل در ضمان متلفات، صرفاً صدق عرفی عنوان «تلف کننده» بر شخص بوده و در این رابطه، بر خلاف آن چه معروف شده است «سبب» یا «مباشر» بودن در فرض اجتماع سبب و مباشر و نیز «دور» یا «نزدیک» بودن، «مقدم بودن» در تأثیر یا «مؤخر بودن» در آن، و در فرض اجتماع اسباب متعدد تأثیری در اصل شناسایی مسؤولیت برای «تلف کننده» ندارد. در نتیجه، تفکیک میان دو مسأله «اجتماع سبب و مباشر» و «اجتماع اسباب متعدد» و نیز تفکیک میان اجتماع اسباب متعدد «عرضی» و «طولی» و تنظیم مواد متعدد و جداگانه توسط قانونگذار برای اعلام حکم آنها وجهی ندارد. بدین ترتیب، هر کس که عرفاً در تحقق زیان نقش داشته باشد مسؤول جبران آن خواهد بود، اعم از این که سبب باشد یا مباشر؛ سبب مقدم در تأثیر باشد یا مؤخر در تأثیر، و

۲- در فرض تعدد مسؤولین جبران خسارت، مسؤولیت آنان از دو جهت می بایست مورد توجه قرار گیرد:

الف) از جهت رابطه میان مسؤولین با یکدیگر. از این جهت قائل به توزیع مسؤولیت میان آنان بر پایه «میزان تأثیر هر یک از آنان در وقوع نتیجه زیانبار» هستیم.

ب) از جهت رابطه میان مسؤولین با زیان دیده. از این جهت قائل به «مسؤولیت تضامنی عرضی» هر یک از آنان با یکدیگر در مقابل زیان دیده هستیم. در اینباره اصل «عدم تضامن»، مانع پایبندی به این حکم نخواهد بود، زیرا بر پایه استدلال هایی که در متن پژوهش مطرح شد بر این باوریم که اصل عدم تضامن، ویژه مسؤولیت های قراردادی و همچنین تضامن مثبت است، نه مسؤولیت های قهری.

۳- با عنایت به معیارهای فوق الذکر و با توجه به اشکالات اساسی موجود در مواد ۵۲۶، ۵۳۳ و ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی، اصلاح مواد مذکور در قالب یک ماده به این ترتیب پیشنهاد می شود: «هرگاه دو یا چند عامل در وقوع جنایتی نقش داشته باشند، هریک از آنان در مقابل مجنی علیه نسبت به جبران کامل خسارت ناشی از آن، مسؤولیت تضامنی دارد. جبران کننده خسارت می تواند به هر یک از سایر عوامل زیان بر اساس میزان تأثیری که در وقوع خسارت داشته است مراجعه کند.»

منابع

- قرآن کریم.

- اردبیلی (مقدّس)، احمد بن محمد، **مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان**، ج ۱۰، ج ۱، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۳ق.
- اصفهانی، سید ابوالحسن، **وسيله النجاه مع حواشی الامام الخمينی**، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۲۲ق.
- اصفهانی (فاضل هندی)، بهاءالدین محمد بن الحسن، **كشف اللثام عن قواعد الاحكام**، ج ۱۱، ج ۱، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۵ق.
- امیر محمدی، محمد رضا، **مسؤولیت تضامنی**، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۴.
- بادینی، حسن، **فلسفه مسؤولیت مدنی**، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴.
- بادینی، حسن؛ مؤمنی، خسرو، **رویکردی نو برای اثبات جریان قاعده لاضرر در احکام عدمی در زمینه مسؤولیت مدنی**، فصلنامه حقوق، ۴۳، پاییز، ۱۳۹۲.
- تبریزی، جواد، **تنقیح مبانی الاحکام - کتاب الديات**، قم، دار الصدیقه الشّهیده (س)، ۱۴۲۸.
- ترحینی عاملی، سید محمدحسن، **الزبدہ الفقہیہ فی شرح الروضه البهیہ**، ج ۸، ج ۴، قم، دار الفقه للطباعه و النشر، ۱۴۲۷.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، **دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت**، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۸.
- حسینی شیرازی، سید محمد، **الفقه - القواعد الفقہیہ**، بیروت، مؤسسه امام رضا (ع)، ۱۴۱۳ق.
- حسینی عاملی، سید محمدجواد، **مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه**، ج ۱۰، ج ۱، قم، مؤسسه

النشر الاسلامی، ١٤١٩ق.

- حسینی مراغی، میر عبدالفتاح، **العناوین**، ج ٢، ٢، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ١٤٢٥ق.

- حلی (علّامه)، حسن بن یوسف بن مطهر، **ارشاد الأذهان الی أحكام الایمان**، ج ١، ١، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ١٤١٠ق.

- _____ **تحریر احکام الشرعیّه علی مذهب الامامیه**، ج ٤، ١، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ١٤٢٠ق.

- _____ **تذکره الفقهاء**، ج ٧، ١، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ١٤١٤ق.

- _____ **تلخیص المرام فی معرفه الاحکام**، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ١٤٢١ق.

- _____ **قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام**، ج ٣، ١، قم، «وسسه النشر الاسلامی، ١٤١٣ق.

- حلی (محقق)، نجم الدین جعفر بن حسن، **شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، ج ٤، ١، بیروت، دار القارئ، ١٤٢٥ق.

- _____ **کتاب النصب**، بی جا، بی تا.

- حیدر، علی، **درر الحکام فی شرح مجلّه الاحکام**، ج ١، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا.

- الزحیلی، وهبه، **الفقه الاسلامی و ادلّته**، ج ٩، ٦، دمشق، دار الفکر، ١٤٢٩ق.

- سراج، محمد احمد، **ضمان العدوان فی الفقه الاسلامی**، بیروت، المؤسسه الجامعیه للدراسات و النشر و التوزیع، ١٤١٤ق-١٩٩٣م.

- سنهوری، عبد الرزاق احمد، **الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید**، ج ١ و ٣، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا.

- طباطبائی، سید علی، **ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل**، ج ١٤، ١، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ١٤١٨ق.

- طباطبائی حکیم، سید محسن، **مستمسک العروه الوثقی**، ج ١، ١، قم، مؤسسه دار التفسیر، ١٤١٦ق.

- طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم، **العروه الوثقی فی ما تعمّ به البلوی**، ج ٢، ٢، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ١٤٠٩ق.

- طوسی (شیخ الطائفه)، ابو جعفر محمد بن حسن، **تهذیب الاحکام**، ج ١٠، ٤، تهران، دار الکتب

نقد مواد ۵۲۶، ۵۳۳ و ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۹۲ _____ ۲۷۳

الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.

- غمامی، مجید، **قابلیت پیش بینی ضرر در مسؤولیت مدنی**، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۳.

- فیض کاشانی، ملامحسن، **النخبه فی الحکمه العلمیه و الحکام الشرعیه**، ج ۲، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۸ق.

- قاسم زاده، سید مرتضی، **مبانی مسؤولیت مدنی**، ج ۴، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵.

- قسمتی تبریزی، علی، «**اصل جبران کامل زیان**»، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان، ۱۳، پائیز و زمستان ۱۳۹۴.

- قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن بابویه، **من لایحضره الفقیه**، ج ۴، ج ۲، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ق.

- کاتوزیان، ناصر، **الزام های خارج از قرارداد (ضمان قهری)**، ج ۱، ج ۳، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.

- _____، **عقود معین**، ج ۴، ج ۴، تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۸۲.

- _____، **مسؤولیت ناشی از عیب تولید**، ج ۲، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.

- _____، **نظریه عمومی تعهدات**، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۹.

- کاشانی، ابوبکر بن مسعود، **بدائع الصنائع**، ج ۷، ج ۱، پاکستان، المکتبه الحیبیه، ۱۴۰۹ق.

- کاشف الغطاء، احمد بن علی، **سفینه النجاه و مشکاه الهدی و مصباح السعادات**، ج ۳، ج ۱، نجف، مؤسسه کاشف الغطاء، ۱۴۲۳ق.

- کاشف الغطاء، حسن بن جعفر، **انوار الفقاهه - کتاب الغصب**، نجف، مؤسسه کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق.

- محقق داماد، سید مصطفی، **قواعد فقه (بخش مدنی)**، ج ۱، ج ۱۷، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۷.

- مرقس، سلیمان، **الوافی فی شرح القانون المدنی**، ج ۱، ج ۵، قاهره، مکتبه زین الحقوقیه، ۱۹۹۲م.

- مکی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، **تمهید القواعد الاصولیه و العربی**، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.

- _____، **حاشیه الارشاد**، ج ۲، ج ۱، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ق.

- _____، **الروضه البهیّه فی شرح اللمعه دمشقیّه**، ج ۷ و ۱۰، ج ۲، بیروت، دار

احیاء التراث العربی، بی تا.

- _____، **مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام**، ج ۱۲ و ۱۵، ج ۱، قم، مؤسسه المعارف الاسلاميه، ۱۴۱۳ق.

- مکی عاملی (شهید اول)، محمد بن جمال الدین، **الدروس الشرعيه في فقه الاماميه**، ج ۳، ج ۲، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.

- _____، **اللمعه الدمشقيه في فقه الاماميه**، قم، دار الفكر، بی تا.

- موسوی بجنوردی، سید محمدحسن، **القواعد الفقيهيه**، ج ۲، ج ۱، قم، دلیل ما، ۱۴۲۴ق.

- موسوی خمینی (امام)، سید روح الله، **البيع**، ج ۲، ج ۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، بی تا.

- _____، **تحریر الوسیله**، ج ۲، ج ۱، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم، بی تا.

- موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، **مبانی تکمله المنهاج**، ج ۲، ج ۱، قم، دار الهادی، ۱۳۹۶ق.

- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن، **جواهر الکلام في شرح شرائع الاسلام**، ج ۱۵، ج ۱، بیروت، مؤسسه المرتضی العالمیه و دار المورخ العربی، ۱۴۱۲ق.

- وحید بهبهانی، محمدباقر، **حاشیه مجمع الفائدة و البرهان**، قم، مؤسسه علامه المجدد الوحید البهبهانی، ۱۴۱۷ق.

- یزدانیان، علیرضا، **قلمرو مسؤولیت مدنی**، تهران، ادبستان، ۱۳۷۹.

- _____، **قواعد مسؤولیت مدنی**، ج ۱، ج ۱، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶.